



حذف نیروهای انقلابی، آسیب‌های فراوانی به کشور وارد کرد

صفحه ۶

با وجود بهبود آمارها:

هنوز هم کارگران در هراسند

صفحه ۴

تحلیل فرشاد مومنی از دلایل سقوط پهلوی در سال ۵۷:

ساختار دیکتاتوری و تصلب نظام تصمیم‌گیری

صفحه ۸

اقتصاد ایران و چهار دهه مانایی در چالش‌ها

گرفتار در هزار توی سیاست

صفحه ۹

حسین راغفر، اقتصاددان:

نابرابری برای حکومت‌ها، بنیان افکن است

صفحه ۱۱



خطوط کلی معیشت و حقوق محرومان از منظر امام خمینی (ره)

در محضر فرهمنده دوران

نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوايح و تبصره‌ها و مواد غیر ضروری به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست‌های زیربنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون شده و به مورد اجرا آید.

دست به دست هم ریشه فقر و استضعاف را برکنیم

اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهره‌مند شوند؛ دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید؛ دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم. شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با اتکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرت‌ها را بلرزانید. اکنون نیز با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید، و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید. مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد.

عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته‌سنجی‌ها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید و از وزارتخانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذبازی‌ها و غلط‌کاری‌های زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب‌افتادگی‌های آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند.

رفع محرومیت‌ها انتظار

بحق مردم ماست

باید گفت مجموعه خواسته‌ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها و دگرگونی در نظام پریپیچ و خم اداری کشور، از انتظارات بحقی است که باید آنها را جدی گرفت و

خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که بحمدالله در جمهوری اسلامی ایران، اساس این تفکر و بینش در حال پیاده شدن است.

محرومان ولی نعمت ما هستند

و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌کنم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان است و بافداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز موهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید.

لزوم تسریع در تصویب قوانین

به نفع مستضعفین

طرح‌ها و پیشنهادهایی که مربوط به

بهمن، ماه امام خمینی در تقویم ذهنی همه ایرانیان است. در طلیعه ویژه‌نامه حاضر که به پیروزی انقلاب اختصاص دارد؛ بی‌مناسبت نیست که مرور دوباره‌ای به اندیشه‌های معمار انقلاب در حوزه معیشت و حقوق محرومان داشته باشیم.

افتخار انقلاب ما حمایت از پابرهنگان است

در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فرونتر از آن کسی است که تقوا داشته باشد، نه ثروت و مال و قدرت و همه مدیران و کارگزاران و رهبران و روحانیون نظام و حکومت عدل موظفند که با فقرا و مستمندان و پابرهنگان بیشتر حشر و نشر و جلسه و مراد و معارفه و رفاقت داشته باشند تا متمکنین و مرفهین، و در کنار مستمندان و پابرهنگان بودن و

مرور آرمان‌های انقلاب در بیانات مقام معظم رهبری

«انقلاب» ما برای نان نبود، اما...

«عدای از آن طرف درمی‌آیند که امام فرمود: انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست؛ بلکه انقلاب ما بر اساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و به رفاه مردم بپردازد. این چه حرفی است؟! امام به این مسائل می‌پرداخت و دستور می‌داد و آنچه در درجه اول، مورد نظر امام بود، عبارت بود از طبقات محروم و مستضعف.»

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی اهمیت موضوع «معیشت مردم» در «منظومه ارزشی انقلاب اسلامی» تا آنجاست که آن را یکی از «خطوط اصلی انقلاب» معرفی می‌کنند.

در ویژه‌نامه حاضر و در آستانه سالروز پیروزی انقلاب، مرور فرازهایی از بیانات ایشان در این مورد خالی از لطف نیست.

امروز مسأله اول کشور «اقتصاد» است

«امروز مشکلات اقتصادی و معیشتی زمینه‌ساز گله‌مندی مردم» شده است. مردم گله‌مندند؛ از بسیاری از چیزهایی که در کشور می‌گذرد، مردم گله‌مندند. مردم انتظارات به‌حقی دارند. انتظار به‌حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه ضعیف از وضعیت غیر قابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به‌حق است.» در این چارچوب و با درک این شرایط به این جمع‌بندی می‌رسیم که اقتصاد «مسأله اصلی کشور» است. امروز مسأله اول کشور، مسأله اقتصاد و مسائل اقتصادی و مشکلات و گره‌های اقتصادی است که اینها بایستی حل بشود.»

کمک به اقتصاد، «حرکت جهادی» است

آیت‌الله خامنه‌ای «کمک به اقتصاد کشور» را «جهاد» معرفی کرده‌اند: «امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است.» ایشان «بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا» را «کار کردن برای اصلاح امور و حل مشکلات معیشتی مردم» می‌دانند: «بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا کار کردن در این کشور است؛ کار، تلاش، مجاهدت برای اصلاح امور کشور. این بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکاست چون آمریکاییها این رانمی‌خواهند. مسئولان دولتی و بخش‌های مختلف باید برای ایجاد اشتغال و مبارزه با فساد و باز کردن گره‌های امور معیشت مردم و رونق دادن به اقتصاد کشور، حقیقتاً کار و تلاش کنند. هر کس در این زمینه‌ها مجاهدت و کار کند، بزرگ‌ترین مبارزه را با آمریکا کرده است.»

مهم‌ترین مسأله نظام رسیدگی به

طبقات مستضعف است

«مهم‌ترین مسأله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه، و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم است. واقعا باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویت‌های بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه - که تعدادشان هم زیاد است - حقا و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد.»

کمک به مستضعفان نباید در جامعه تعطیل بشود

«در جامعه ما باید عادت کمک به ضعفا که یک عادت اسلامی است، روزه‌روز بیشتر شود. صدقاتی که مردم می‌دهند، اطعام‌هایی که می‌کنند و کارهای بزرگی از قبیل وقف و حبس و امثال آن‌ها که انجام می‌شود، از سنت‌های حسنه اسلامی است. این سنت‌ها به حیات اجتماعی طیب کمک می‌کند. لذا نباید بگذارید در جامعه تعطیل شود. وقتی که مردم خود را در رفع گرفتاری مستضعفان و ضعفا و مستمندان سهیم بدانند، کارها اصلاح می‌شود.»

انقلاب ما را پابرهنگان به پیروزی رسانند

«دو نکته اساسی در حرکت امام بزرگوار بود که همین دو نکته، سرمایه ارزشمند این انقلاب بود و هست: یکی اینکه هدف این انقلاب، اسلام است. دوم این که سربازان این انقلاب و لشکر این انقلاب، مستضعفان و پابرهنگان و همچنین قشر جوانند. این انقلاب را، پابرهنگان به پیروزی رسانند.»



کارگران نخواستند از نمد انقلاب کلاه بیاوند



علیرضا محجوب

انقلاب اسلامی، شکوه تاریخی خود را مدیون ارزش‌هایی برگرفته از آرمان‌های والای انسانی است؛

آرمان‌هایی نظیر برادری، ارزش‌ها موتور سوخت انقلاب شدند و آن را تثبیت کردند. کارگران از اولین گروه‌هایی بودند که پس از انقلاب در چشم برهم‌زدنی، ارزش‌ها را برای خود به «نظام اخلاقی» تبدیل کردند؛ کارگران شرکت نفت و کارگران خودروسازی‌ها از این جمله هستند.

البته چند ماه پس از انقلاب گروه‌های گسترده‌ای از کارگران به مستضعفان پیوستند و هم‌نوا با آنها عملیاتی شدن ارزش‌ها را مورد تأکید قرار دادند. اگر تا چند ماه پس از انقلاب آحاد جامعه صرفاً در پی برابری بودند از این پس برابری را از دولت، مجلس و... که حاکمیت را از سوی خود به آنها تفویض کرده بودند، مطالبه کردند اما دست روی دست نگذاشتند و توأم با مطالبه‌گری، آستین‌ها را بالا زدند.

در آن زمان مهم‌ترین نهادی که کارگران و مستضعفان می‌توانستند در آن به انقلاب خدمت کنند، کارخانجات بود؛ یعنی همان جایی که در کنار نهاد بازار برای تثبیت انقلاب، به کمک امام خمینی (ره) آمد.

کارگران و مستضعفان که حالا خود را موجی می‌دانستند در دل دریای انقلاب، برای

قدرت گرفتن کشور و بازسازی اقتصاد که پیش از انقلاب به سبب وابستگی شدید به «امپریالیسم» رنگ باخته بود، به یاری کشور آمدند و چه جایی بهتر از کارخانه‌هایی که حالا سهم آنها شده بود.

آنها بدون دریافت اضافه‌کاری، شب و روز عرق ریختند تا محل کار خود را بدون اتکا به سرمایه‌گذاران خارجی وابسته، که سودای ثروت‌اندوزی از منابع ملی ما را داشتند؛ سرپا نگه دارند.

در این میان شوراهای اسلامی کار نقش کانونی داشتند و در اداره کارخانجات فعالانه مشارکت داشتند، بدون اینکه بخواهند از این نمد کلاهی بیاوند. حال اگر بخواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که آیا کارگران موفق شدند از نعمات آنچه در پی تثبیت انقلاب، بی‌منت بنیان گذاشتند، بهره‌ای ببرند، باید گفت که در سال‌های ابتدایی انقلاب تا پس از پایان جنگ ظالمانه ۸ ساله، چنین بود؛ یعنی کارگران بدون چشم‌داشت تا حد قابل قبولی از اقتصاد و هر آنچه در اقتصاد به سبب ارائه نیروی کار خود خلق کردند، بهره بردند اما زمانی که خصوصی‌سازی سرعت گرفت و مالکیت شخصی بر مالکیت عمومی چربید، کارگران احساس یاس کردند و همه‌چیز را از دست رفته دیدند.

کارگرانی که گذشته را دیده‌اند، بیش از کارگران جوان حسرت روزهای رفته را می‌خورند. شیوه کنونی حکمرانی در حوزه تولید موجب شده که قدرت چانه‌زنی کارگران در حوزه روابط کار کاهش یابد و اراده‌ای در مقابل خواست آنها شکل بگیرد.

ما می‌گوییم باید به کارگران امید داد و حسرت را از دل آنها درآورد. کارگر نباید با حسرت گذشته کار کند، بلکه نیاز به امید دارد.



مسائل صنفی نباید ابعاد سیاسی پیدا کند



سپیدلاجلودارزاده

کارگران در انقلاب نقش بزرگی داشتند. سهم کارگران در پیروزی انقلاب، ۹۹ درصدی است و ۹۹ درصد پیروزی انقلاب اسلامی، مدیون مجاهدت‌ها و رشادت‌های کارگران است؛ از اعتصابات گسترده صنایع و شرکت نفت گرفته تا حضور پررنگ در خیابان‌ها و اعتراضات.

سهم کارگران در پایداری نظام و انقلاب هم کاملاً قابل توجه است و به همان سطح می‌رسد، در واقع علل موجد همان علل مبقیه است؛ این بدان معناست که کارگران انقلاب را ایجاد کردند و موجب بقای آن شدند. این واقعیت را کسی نمی‌تواند انکار کند.



اما اینکه خودشان چقدر از این انقلاب سهم بردند، باید گفت در مقاطع زیادی از این ۴۰ سال، سهمی جز درد ورنج و محرومیت نبردند. نمی‌توانیم بگوییم همیشه اینگونه بوده است. سال‌هایی از انقلاب بود که شرایط کارگران از کارمندان دولت هم بهتر بود تا این حد که کارمندان دولت می‌رفتند بیمه‌هایشان را به بیمه کارگری تبدیل می‌کردند. آدم‌های شاخص سازمان‌ها مثلاً سازمان برنامه، می‌رفتند بیمه کارگری می‌گرفتند.

در زمان حضرت امام، بهترین امکانات برای کارگران فراهم می‌شد؛ همان زمانی که حضرت امام می‌فرمودند خداوند عالم هم کارگر است. کارگران کرامت انسانی داشتند، شرف اجتماعی داشتند و منزلت بالایی داشتند اما متأسفانه بعدها این سهم آن چنان تنزل کرد که به کمترین مقدار رسید. با کمال تأسف باید بگوییم، در دهه‌های گذشته، کارگران به آهستگی و به تدریج به حاشیه‌ها رانده شدند اما الان دیگر در حاشیه‌ها هم جایی ندارند؛ در حال حاضر در حاشیه شهرها هم یک بازنشسته نمی‌تواند یک سرپناه داشته باشد. در اسلامشهر و چهار دانگه، بازنشستگانی هستند که می‌گویند اثاث‌مان را جمع کرده‌ایم و در زیرزمین گذاشته‌ایم و خودمان آواره شده‌ایم؛ در واقع امروز به جایی رسیده‌ایم که باید اعتراف کنیم فقط فقر و بیخانمانی سهم کارگران از انقلاب است.

آنچه در حال حاضر باید مدنظر قرار گیرد این است که اصلاح‌قانونمند در حوزه قانون کار و تشکلهای کارگری باید با مشارکت شرکای اجتماعی و براساس آسیب‌شناسی‌ها صورت بگیرد. وقتی که به صورت آسیب‌شناسی شده عمل شود، مساله خاصی پیش نمی‌آید. باید موانع توسعه و عدالت اجتماعی شناسایی شود، می‌توان به راحتی و بدون اینکه مشکلی برای هیچ کدام از شرکای ایجاد شود، این کار را پیش برد. نکته مهمتر اینکه مسائل صنفی کارگران نباید ابعاد سیاسی پیدا کند. ممکن است تشکلهای کارگری در برخورد با موانع دولتی نتوانند حق خود را بگیرند و دخالت‌های سیستم‌های امنیتی مانع انجام کارشان در مسائل صنفی‌شان باشند؛ اما کارگر باید در دفاع از حقوق خود مصونیت داشته باشد.

با وجود بهبود آمارها؛

هنوز هم کارگران در هراسند



سعیده‌علیپور

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷ فروردین سال ۱۳۶۰ در یادآوری انقلابی که تازه رخ داده بود و هنوز شور و حالش در مردم به تمامی بیدار بود، چنین می‌نویسد: «۲۲ بهمن ۵۷ رادیو تهران با شادمانی و حرارت پیروزی انقلاب اسلامی ایران را اعلام کرد. وجد و شادمانی، توده‌های مردمی را که گروه‌گروه به خیابان‌ها ریخته بودند فراگرفت. زنان در میان جمعیت شکلات، شیرینی و شربت پخش می‌کردند. وسایل نقلیه به‌طور هماهنگ بوق‌هایشان را به صدا درآوردند و با چراغ‌های روشن در همان خیابان‌هایی می‌راندند که تنها چند روز قبل شاهد درگیری‌های خونین بین معترضان و ارتش بود. حالا در همان خیابان‌ها شبه‌نظامیان انقلابی گشت می‌زدند. برای آنانی که شاهد این حوادث بودند روز پیروزی بی‌ظنیر و بی‌مانند بود.»

به گفته بسیاری از روابان آن روزها، پیروزی انقلاب نقطه اوج بیش از ۱۸ ماه تظاهرات توده‌های مردم، روبرویی‌های خونین، اعتراضات در محیط‌های صنعتی و کارگری، اعتصابات عمومی و مانورهای سیاسی گسترده در دانشگاه‌ها و ... بود. حالا همان گروه‌ها که شمار زیادی از آنان را کارگران، حاشیه‌نشینان و اقشار فرودست جامعه تشکیل می‌دادند، با شغف منتظر بودند تا سهم خود را از انقلاب‌شان بگیرند. روایت متداول ترجیح می‌دهد بیشتر در مورد ابعاد عمومی سیاست‌های نخبگان جامعه، روحانیون و امپریالیسم‌ستیزی سخن بگوید اما در این روایت قصد داریم به اختصار از مطالبات کارگران سخن بگوییم، اینکه چه انگیزه‌هایی آنها را انقلابی کرد و بعد از ۴۱ سال این خواست‌ها چقدر قابل‌وصول شد؟

بسیاری از این گروه، کارگران روزمزدی بودند که از کوچکترین امتیازات مانند حق مسکن، بیمه درمانی، بیمه اجتماعی و ... محروم بودند و گرچه ممکن بود از فرآیند دستیابی به وضعیت بهتر، تصویری نداشته باشند اما به دنبال رفاه و آرامشی بودند که در شعارهای انقلابی به وفور بر آن تکیه می‌شد.

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران تلاش‌های روزمره این گروه برای بهبود وضعیت مسکن و معیشت، کار و درآمد، آموزش و بهداشت و رفاه، آنها را به اتخاذ راهکارهایی همچون همراهی و همگامی موقت با این یا آن گروه سیاسی، تأسیس تشکلهای مستقل با عمری نسبتاً کوتاه و همچنین مذاکره و معامله با دولت و حکومت سوق داد تا شاید برای تضمین بقایشان در جامعه‌ای که در آن از هیچ‌گونه امتیازی برخوردار نبودند، صاحب‌امتیاز کنند.

در پس فضای ایدئولوژیک و شعارآلود، گروه‌های فرودست جامعه، در پی توزیع مجدد امکانات و فرصت‌ها از جمله؛ زمین، سرپناه، آب لوله‌کشی، برق، فضاهای عمومی مثل خیابان، پیاده‌روها، پارک‌ها، خدمات آموزشی و بهداشتی و درمانی مؤثر و ... بودند.

نگاهی به آمار

اما برای اینکه متوجه شویم انقلاب در حوزه‌های اجتماعی تا چه میزان توانسته است بعد از ۴۱ سال این مطالبات را برآورده کند، شاید باید به آمار نگاهی انداخت. نگاهی به آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای رسمی نشان می‌دهد میزان درآمد کارگران روزمزد که نمونه‌ای از کم‌درآمدترین اقشار جامعه در دوره‌های مختلف هستند به نسبت گذشته افزایش یافته است.

ادامه در صفحه ۵

بسیاری از انقلابیون، کارگران روزمزدی بودند که از کوچکترین امتیازات مانند حق مسکن، بیمه درمانی، بیمه اجتماعی و ... محروم بودند و گرچه ممکن بود از فرآیند دستیابی به وضعیت بهتر، تصویری نداشته باشند؛ اما به دنبال رفاه و آرامشی بودند که در شعارهای انقلابی به وفور بر آن تکیه می‌شد



در حوزه رفاه اجتماعی نیز به نوع مدیریت و امکانات اقلیمی آن کشور بازمی‌گردد. این در حالی است که این مفهوم به مرور زمان با افزایش آگاهی‌های عمومی، رسانه‌ها و نگاه به شکل توسعه در کشورهای موفق تغییر می‌کند و در همین راستا با افزایش مطالباتی در این حوزه مواجه می‌شویم.

به عقیده او تداوم حیات مادی و معنوی یک جامعه، مستلزم اتخاذ نگرشی اجتماعی و مسئولانه به ضرورت برقراری نظام جامع رفاه اجتماعی به صورت فراگیر است؛ نظامی که شاید بتوان آن را مهمترین سازوکار برقراری عدالت اجتماعی دانست. واقعیت امر این است که بهبود رفاه اجتماعی و تأمین زندگی و سلامت اجتماعی، در صدر مسائل جامعه ایرانی قرار دارد که باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های خود این جامعه مورد توجه جدی قرار گیرد.

نبود امنیت شغلی

اما به عقیده ناظران وضعیت فعلی کارگران، آنچه سبب شده است برخلاف رشد شاخص‌های رفاهی روی کاغذ کارگران از رضایت‌مندی لازم برخوردار نباشند نبود امنیت شغلی است.

محسنی می‌گوید: «جامعه کارگری با چالش‌هایی چون نبود امنیت شغلی، تأمین معیشت و عدم وصول مطالبات معوق روبرو است که هر کدام از این مسائل، به گونه‌ای زندگی روزمره این قشر زحمت‌کش را تحت تأثیر قرار می‌دهند که باید این مشکلات با اقدامات جامع و کارآمد نهادهای مسئول برطرف شود.»

به گفته او اینکه ما گمان کنیم که حقوق کارگر به نسبت ۴۰ سال پیش بسیار بالاتر است و بر اساس آن سیاست‌های رفاهی خود را پایه‌گذاری کنیم و گزارش ارائه دهیم اصلاً منطقی نیست و نتیجه آن نارضایتی‌های عمومی بین این قشر خواهد بود. این کارشناس توسعه اجتماعی می‌گوید: «ما می‌بینیم که در بسیاری از محیط‌های کاری حقوق معوقه، حق بیمه‌هایی که به موقع پرداخت نمی‌شود، عدم نظارت لازم به امنیت کاری و ایمنی کارگران، خبرهایی در مورد وضعیت نامطلوب صندوق‌های بازنشستگی و نگرانی از تأمین آتیه در دوران کهنولت، کارگران و خانواده‌هایشان را در هراسی دائم قرار داده که میزان نارضایتی‌های عمومی این قشر را بالا برده است و آنها را به این نتیجه رسانده که نتوانسته‌اند به اهدافشان برای زندگی بهتر بعد از این انقلاب دست یابند.»



یک کارشناس توسعه اجتماعی معتقد است، اینکه ما گمان کنیم حقوق کارگر به نسبت ۴۰ سال پیش بسیار بالاتر است و بر اساس آن سیاست‌های رفاهی خود را پایه‌گذاری کنیم و گزارش ارائه دهیم اصلاً منطقی نیست و نتیجه آن نارضایتی‌های عمومی بین این قشر خواهد بود

ادامه از صفحه ۴

چندی پیش محمدرضا مرندي، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در نشست تخصصی «نگاهی به کارنامه جمهوری اسلامی ایران در گام اول» که در موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد، گفته بود: «دستمزد یک روز کارگر در پیش از انقلاب ۶۰ ریال بوده است، اما دستمزد یک کارگر روزانه در سال ۹۸، ۵۰ هزار تومان است. یک کارگری که ۶۰ ریال دستمزد داشته با این دستمزد چند نان سنگک ۵ ریالی می‌توانست بخرد؟ ۱۲ نان؛ اما همین کارگر امروز ۵۰ هزار تومان درآمد دارد و اگر نان را یک هزار و ۵۰۰ تومان در نظر بگیریم می‌تواند ۳۲ نان تهیه کند. یک کارگر قبل از انقلاب با حقوق ۶ تومان در روز، می‌توانست روزانه ۱۵ عدد تخم مرغ بخرد، اما الان یک کارگر با حقوق روزی ۵۰ هزار تومان می‌تواند ۱۲۶ عدد تخم مرغ بخرد، یعنی ۸.۵ برابر قدرت خرید افزایش پیدا کرده است. بر اساس آمار بانک جهانی در سال ۵۶، ۴۶ درصد مردم ایران زیر خط فقر بودند و این در حالی است که در سال ۹۸، ۱۶ درصد مردم ایران زیر خط فقر بوده‌اند، یعنی وضع مردم چیزی حدود ۳ برابر بهتر شده است.»

از سوی دیگر در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل که هر ساله منتشر می‌شود و در آن کشورهای جهان را از نظر شاخص‌های توسعه انسانی مانند سلامت، محیط زیست، امنیت، نوآوری، عدم استعمار کاری و... رتبه‌بندی می‌کند نیز ایران در سال ۱۳۵۶ از نظر شاخص توسعه انسانی در بین ۱۸۰ کشور جهان در رده ۱۳۰ جدول و در سال ۱۳۹۷ در رتبه ۶۰ قرار گرفته است.

نگاهی به آمار میزان سواد افراد بالای ۶ سال نیز نشان می‌دهد که رشد شاخص سواد از ۴۹ درصد در سال ۵۶ به ۸۸ درصد در سال گذشته افزایش داشته، همچنین افزایش سهم دانش‌آموزان دختر در کل دانش‌آموزان از

گسترش اعتراضات اجتماعی در سال‌های اخیر به‌ویژه در طبقه کارگر نشان می‌دهد، میزان رضایت‌مندی متناسب با نمودارهای نهاد‌های رسمی رو به بهبود نیست و این موضوع به تغییر نگرش‌ها در خصوص رفاه اجتماعی باز می‌گردد

۳۸.۳ درصد به ۴۹.۳ درصد و تعداد دانشجویان آموزش عالی از ۱۶۰ هزار نفر به ۴ میلیون و ۷۴ هزار نفر افزایش داشته، ضمن اینکه به دلیل بهبود وضعیت بهداشت و گسترش خدمات بهداشتی و درمانی نیز افزایش امید به زندگی از ۵۶ سال به ۷۵ سال رسیده است که در نوع خود می‌تواند قابل توجه باشد. نگاهی به وضعیت ارائه خدمات عمومی مثل حمل‌ونقل عمومی، فضاهای شهری مناسب و آب و برق و فاضلاب هم همه نشانه‌های رشد قابل توجهی است که ایران را به نسبت ۴۰ سال گذشته خود متفاوت کرده است.

ضریب پوشش بیمه‌ای بیانگر سهم تعداد افراد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی از کل جمعیت کشور است. این آمار نشان می‌دهد در سال ۵۶ از جمعیت ۳۵ میلیونی کشور، ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بوده‌اند و در سال ۹۶ از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور ۴۲ میلیون نفر تحت پوشش این سازمان قرار گرفته‌اند. اجرای قانون بیمه بیکاری ما به‌زایی در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نداشته و نخستین بار اجرای این طرح از سال ۱۳۶۶ در ایران آغاز شده است که خود گام مهمی در جهت رفاه محسوب می‌شود.

تغییر نگرش به مقوله رفاه اجتماعی

با استناد به این آمار می‌توان استنباط کرد که میزان درآمد و خدمات درمانی، آموزشی و عمومی به اقشار مختلف جامعه و طبقه کارگر به نسبت گذشته افزایش یافته است، اما آیا به همان میزان رضایت‌مندی نیز از شرایط زندگی بهتر شده است؟ به نظر می‌رسد روی کاغذ همه چیز خوب و تحت کنترل است، اما گسترش اعتراضات اجتماعی در سال‌های اخیر مخصوصاً در طبقه کارگر نشان می‌دهد، میزان رضایت‌مندی متناسب با نمودارهای نهاد‌های رسمی رو به بهبود نیست و این موضوع به تغییر نگرش‌ها در خصوص رفاه اجتماعی باز می‌گردد.

امیرعلی محسنی، کارشناس توسعه اجتماعی، در این باره معتقد است: «مفهوم رفاه اجتماعی در کشورهای مختلف دنیا با یکدیگر تفاوت دارد. این تفاوت‌ها بسته به سابقه فرهنگی و تاریخی است، همچنین سطح مطالبات



حذف نیروهای انقلابی، آسیب‌های فراوانی به کشور وارد کرد

کشور بودید. چه اتفاقی افتاده که صاحب منصبان ما زبان به انتقاد گشوده‌اند. آیا انقلابیون برنامه مشخصی برای اداره کشور پس از پیروزی انقلاب نداشتند یا اتفاقاتی در مسیر ۴۰ ساله انقلاب رخ داده که سبب شده اهداف انقلاب محقق نشود؟

ببینید اولین موضوع این بود که این انقلاب یک انقلاب روحانی بود نه انقلاب روحانیت. ما انقلاب روحانی را به انقلاب روحانیت بدل کرده‌ایم. متأسفانه برخی اتفاقات در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، سبب شد که بخش عظیمی از نیروهای کشور کنار گذاشته شوند و زمام امور کلاً به دست روحانیت بیافتد. خود حضرت امام (ره) بارها این موضوع را گوشزد کرده و خواستار این شده بودند که از تمام نیروهای کشور استفاده شود. باید پذیرفت که روحانیت به تنهایی ظرفیت و توان کافی و لازم برای اداره کشور را نداشت و لذا در برخی موارد، شاهد اتخاذ تصمیمات اشتباه و عملکردهای نادرست بوده‌ایم. این موضوع یعنی حذف بسیاری از جریان‌ها و نیروهای موثر در انقلاب به نظر من یکی از اشتباهات بزرگ بود. جا داشت ظرفیتی ایجاد می‌شد که تمامی نیروها و جریان‌های موثر در انقلاب و کشور، به بازی گرفته شوند و از توان آنها استفاده شود.

به عنوان مثال، حزب ملل اسلامی که بنده در آن عضویت داشتم، قصد داشت از راه اقدام مسلحانه، دولت اسلامی تشکیل دهد. چنین حزبی که هزینه‌های زیادی

صراحت لهجه و بیان آنچه درست می‌داند، جز و خصوصیات ابوالقاسم سرحدی زاده است. همین ویژگی اتفاقاً باعث شده که بارها باران قدیمی و حتی نیروهای همفکر از دست وی برنهند، اما سبب نشده که مرام سرحدی زاده آمیخته به مصلحت‌اندیشی شود. سرحدی زاده در ۱۸ سالگی به حزب ملل اسلامی پیوست؛ حزبی با مشی مسلحانه که توسط گروهی از جوانان مسلمان شکل گرفته بود. دو سال بعد، وی و اعضای حزب دستگیر شدند و وی تا پیروزی انقلاب در زندان رژیم پهلوی به سر برد. پس از انقلاب نیز پست‌های متعددی داشت؛ از ریاست سازمان زندان‌ها گرفته تا نمایندگی مجلس و حضور در کابینه مهندس موسوی به عنوان وزیر کار، یادگار دوران وزارت وی، قانون کاری است که با وجود مخالفت‌های متعدد و گسترده، از شورای نگهبان وقت گرفته تا اتاق بازرگانی و حزب مؤتلفه، با نامه وی به امام (ره) و دستورات ایشان برای تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. سرحدی زاده، امروز منتقد جدی شرایط جامعه است اما همچنان به انقلاب ۵۷ و آرمان‌های آن وفادار مانده است و اعتقاد دارد عملکرد برخی از نیروهای انقلابی در حذف سایر گروه‌ها و جریان‌ها، جامعه را به نقطه کنونی رسانده است.

آمریکایی و غربی، مهیب‌ترین انقلاب تاریخ شد، همین انقلاب اسلامی بود. بر خلاف گفته فیدل کاسترو، من معتقدم که در انقلاب ۵۷، مردم ما از انقلاب بزرگتر بودند. ظرفیت مردم ما بیشتر از آرمان‌هایی بود که انقلاب ما براساس آن شکل گرفت. به تاریخ معاصر نگاه کنید. در فاصله کمتر از ۱۰۰ سال دو انقلاب بزرگ، یعنی نهضت مشروطه‌خواهی و انقلاب اسلامی در کشور اتفاق افتاده است. بین این دو انقلاب نیز مردم هیچ‌گاه آرام نبودند و با دولت‌ها و حکومت‌های قلدرباز و دیکتاتوری روبه‌رو بودند. اینکه امام (ره) می‌گفتند ما ابرقدرت‌ها را زیر پا می‌گذاریم، به دلیل همین بزرگی و عظمت مردم بود که امام آن را درک کرده بود.



حمید سلیمانی

■ آقای سرحدی زاده، حضرت تعالی در ۱۸ سالگی با عضویت در یک حزب با مشی مسلحانه، عملاً راه انقلاب را بر سایر راه‌ها ترجیح دادید. با گذشت پنجاه و چند سال از آن دوران، به نظر شما انقلاب بهترین راه برای بهبود اوضاع یک جامعه هست یا خیر؟

به نظر می‌آید انقلاب‌ها سر نوشت دلخواه انقلابیون را به دست نیاوردند. تمام انقلاب‌های معروف و مشهور قرن نوزدهم و بیستم هر کدام به نوعی از آرمان‌های اولیه خود عدول کرده و منحرف شده‌اند یا بعضاً حتی تبدیل به ضد خود شده‌اند. انقلاب کبیر فرانسه را نگاه کنید؛ انقلابی با آن عظمت، به نوعی دچار انحراف شد به گونه‌ای که ملتی که روزی دنبال عدالت و آزادی و نان بودند، خود به نظامی استعمارگر بدل شدند که خصوصیات این نظام، ضدیت با آزادخواهی و تلاش‌های مردمی برای تحقق عدالت بود که به نوعی دقیقاً مقابل آرمان‌هایی بود که آن انقلاب حامل آنها بود. مثال‌های فراوانی از این دست وجود دارد. می‌خواهم بگویم بسیاری از انقلاب‌های باشکوه با آرمان‌های عمیقاً انسانی و زیبا، به سر نوشت چندان خوبی منتج نشده‌اند. انقلاب اکتبر نمونه دیگری از این دست است که گرفتار انواع و اقسام انحراف‌هایی شد که با اهداف اولیه انقلاب و انقلابیون سازگاری نداشت. انقلاب چین به نوع دیگری به این بلیه مبتلا شد. امروز اگر به چین نگاه کنید هیچ نشانه‌ای از آرمان‌های اولیه انقلابیون مشاهده نخواهید کرد و امروز خود پهلوی به پهلوی سایر کشورهای امپریالیستی می‌زند که روزی علیه آنها قیام کردند. حتی انقلاب کوبا با وجود اینکه فیدل کاسترو فقید تا آخر عمر خود روی اهداف اولیه انقلاب ایستادگی کرد، اما به قول خود او که گفته بود «انقلاب ما از خود ما بزرگتر بود» قادر نشدند که از رهگذر این انقلاب، الگویی ایجاد کنند و تبدیل به کشوری شدند که امروز می‌بینید. به نظر من عموم این انقلاب‌ها به عاقبت خوبی ختم نشدند. بجز سال‌های اولیه انقلاب‌ها که شاید بتوان آنها را ماه عسل انقلاب نامید، عموم انقلاب‌ها به بیراهه رفته‌اند.

■ شما جزو نیروهایی هستید که از آنها به نسل اول انقلاب تعبیر می‌شود. با گذشت چهل سال از انقلاب، به عنوان یک نسل اولی، چه میزان از آرمان‌هایتان محقق شده و ارزیابی شما از وضعیت فعلی چیست؛ چقدر با آن تصویری که در روزهای پس از انقلاب برای کشور متصور بودید، همخوانی دارد و چقدر با آن متفاوت است؟

آخرین انقلاب بزرگ در دنیا که به تعبیر محافل

عموم انقلاب‌ها در جهان بجز سال‌های اولیه که شاید بتوان آنها را ماه عسل انقلاب‌ها نامید، به بیراهه رفته‌اند. ما نیز با پایان ماه عسل انقلاب ۵۷، در دست‌اندازهایی افتادیم و نتیجه این شد که انقلابی با آن آرمان‌های شکوهمند و تکان‌دهنده، امروز فاصله زیادی با آرمان‌های اولیه خود دارد

هم برای پیروزی انقلاب و آرمان‌های آن داده، در ابتدای انقلاب در درس‌های دانش‌آموزان جا داشت، ولی بعدها از کتاب‌ها حذف شد. در همین حد هم تحمل اینکه حتی نامی از دیگران برده شود، وجود ندارد. به نظر من این به تمامیت‌خواهی برخی از جریان‌های انقلابی بازمی‌گردد. ده‌ها و صدها نفر در زیر دست و پای نظام فاسد قبلی جان باختند و له شدند تا این انقلاب به پیروزی برسد، اما ما حتی از بردن نام آنها هم ابی‌می‌کنیم چه برسد به اینکه از آنها برای اداره کشور کمک بگیریم.

البته شخص امام را به نظر من باید از سایرین جدا کرد. ایشان حتی دست‌یاری به سوی بازرگان‌ها دراز کرد. امام به واسطه نیروی عظیم روحی و خدایی که در وجود داشتند، حرکتی ایجاد کردند که تمام ملت را تکان داد و نتیجه آن پیروزی این انقلاب شد.

■ البته ما دوره‌هایی مثل دوران احمدی‌نژاد هم داشتیم که روحانیت نقش نداشت، اما اوضاع چندان بهتر نبود و حتی برخی معتقدند که اوضاع از آن دوره شروع کرد به اینکه بدتر شود؟

قبول ندارم. سرنخ امور در همان دوران هم به دست روحانیت بود. اتفاقاً معتقدم احمدی‌نژاد با این هدف بر سر کار آمد که در درون خود روحانیون نیز طیفی را کنار بگذارند. نقش احمدی‌نژاد این بود که بخشی

البته انقلاب ما نیز در مسیر خود گرفتاری‌هایی پیدا کرد. با پایان ماه عسل انقلاب ۵۷، ما نیز در دست‌اندازهایی افتادیم که غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل قبول بود. انقلابی با آن آرمان‌های شکوهمند و تکان‌دهنده، انقلابی که به گفته موشه دایان، مثل زلزله‌ای برای آنها بود، امروز فاصله زیادی با آرمان‌های اولیه خود دارد.

روزی بود که در همین کشورهای اطراف، اگر کسی به صدای انقلاب ما گوش می‌کرد، در کشور خود دچار گرفتاری می‌شد، اما امروز برعکس شده است. امروز دولت‌ها انواع و اقسام موانع را به وجود می‌آورد که ما به صدای دیگران گوش نکنیم. این موضوع خیلی پرمعناست.

■ مرحوم هاشمی، آقای ناطق نوری، بسیاری از دلتمردان دولت‌های قبل مثل خود شما، مهندس موسوی، آقای کروبی و... سالیان سال پست‌های متعددی در کشور داشتند، اما همین بزرگان انتقادات زیادی به عملکرد کشور و نحوه اداره آن وارد کرده‌اند. خوب خود شما گردانندگان





ده‌ها و صدها نفر در زیر دست و پای نظام فاسد قبلی جان باختند تا این انقلاب به پیروزی برسد، اما ما حتی از بردن نام آنها هم ابا می‌کنیم و این به نظر من به تمامیت‌خواهی برخی از جریان‌های انقلابی بازمی‌گردد

بزرگترین آفتی که کشور و نظام را تهدید می‌کند، چه می‌دانید؟
دنیای کمونیسم را فساد از پا در آورد. انقلاب ما هم متأسفانه درگیر فساد شده است. در انقلاب و نظامی که زیر سایه قرآن و اسلام است، چه معنایی دارد که ما هر روز خبر تازه‌ای از فساد تازه بشنویم. همه ما مسئولان نظام باید پاسخگوی این موضوع باشیم. شرم آور است در حکومتی که مزین به نام اسلام و علی (ع) و... است، مردم دچار فلاکت و فساد باشند، حتی اگر تعداد اندکی از مردم را دربرگیرد.

دورنمای کشور را چگونه می‌بینید؟ در حال حاضر تحریم‌ها فشار سنگینی به اقتصاد و کشور وارد می‌کند. فساد مثل مور یانه ما را از درون می‌خورد و اعتماد عمومی یا همان سرمایه اجتماعی در کشور هر روز آب می‌رود. مردم نه به همدیگر و نه به حکومت اعتماد چندانی برای بهبود امور ندارند و متقابلاً حکومت هم نشان داده که چندان به مردم اعتماد ندارد. در چنین شرایطی، چه دورنمایی برای ایران متصور هستید؟
در ابتدای صحبت‌هایم هم گفتم که به نظر من، مردم ما حتی از انقلاب ما بزرگتر بوده و هستند. ظرفیت مردم ما دو انقلاب در کمتر از یک قرن بوده است. درست است که فساد، بیراهه و ناهنجاری در جامعه و کشور زیاد است، اما ظرفیت مردم ما بالاتر از این است که کشور به بن‌بست بخورد.

ولی در حال حاضر اعتماد حتی در بین مردم هم کمرنگ شده و همین ظرفیت ملت ما را به شدت کاهش داده است.

این گونه نیست. با وجود تمامی ضعف‌هایی که بر شمردید ملت ما توانایی برگرداندن جامعه به مسیر درست را دارد. فشارهای فراوان خارجی و داخلی و توطئه‌های آنها در برابر این ظرفیت‌ها اندک است. مردم بر همه این مشکلات غلبه خواهند کرد و کشور به مسیر درست باز خواهد گشت. این ملت نوظهور نیست. قرن‌هاست حیات دارد و انواع و اقسام مشکلات، اعم از حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری و تهاجم خارجی را تجربه کرده اما ایران را حفظ کرده و بعد از این هم حفظ خواهد کرد. من کاملاً به سخنانم اعتقاد قلبی دارم. با این مردم می‌شود دنیا را تکان داد اما متأسفانه زمام امور به دست افراد ناتوان افتاده است.

از روحانیت که بازماندگان نسل اول انقلابیون بودند هم حذف شوند. لکه‌دار کردن دامان بزرگانی چون مرحوم هاشمی، آقای ناطق نوری و... که اتفاقاً جزو روحانیون مخالف تمامیت‌گرایی بودند، از جمله اقدامات ایشان بود.

اشاره کردید که امام دست یاری به سوی بازرگان دراز کرد. چرا مرحوم بازرگان و جریان همفکر به تدریج از چهره سیاسی کشور حذف شدند؟

معتقدم مرحوم بازرگان به راحتی می‌توانست در کنار امام باقی بماند اگر قادر بود که سختی‌های اولیه طبیعی روزهای پس از انقلاب را تحمل کند. اینکه ایشان مدام استعفا می‌دادند، حکایت از روحیه به اصطلاح نازک‌نارنجی ایشان داشت. متأسفانه روحیه روشنفکران ما این است و چندان مشکلات را تحمل نمی‌کنند. روزهای پس از پیروزی در هر انقلابی پر از تلاطم است و مشکلات متعددی پیش روی اداره‌کنندگان جامعه وجود دارد. اینکه مسئول یک دولت انقلابی به خاطر اشتباهات و تخلفات چهار عضو کمیته یا به خاطر اقدام چند دانشجو که به زعم وی اشتباه است، بخواهد استعفا بدهد و کنار برود، نشان از این دارد که روشنفکران ما درک و شناخت درستی از شرایط انقلاب و روزهای پس از پیروزی نداشتند، قهر هیچ‌وقت چاره کار نیست.

حذف بسیاری از جریان‌ها و نیروهای موثر در انقلاب به نظر من یکی از اشتباهات بزرگ بود. جا داشت ظرفیتی ایجاد می‌شد که تمامی نیروها و جریان‌های موثر در انقلاب و کشور، به بازی گرفته شوند و از توان آنها استفاده شود

مشکل حزب جمهوری اسلامی با بنی صدر چه بود و چرا بنی صدر هم تحمل نشد؟

به نظر من، بنی صدر خودبزرگ‌بین بود. این را البته در همان روزهای پس از پیروزی انقلاب از دوستی که سابقه عضویت در کنگفدراسیون را داشت شنیدم، اما بعدها کاملاً آن را درک کردم.

خاطره‌ای برایتان تعریف می‌کنم. من کلاً با ایشان یک بار ملاقات داشتم و آن هم اینکه به همراه اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی به دیدار وی رفتیم. وی در آن جلسه خطاب به ما گفت: «مگر پیغمبران حزب داشتند؟ من آقای بنی صدرم و نیازی به حزب ندارم. من بنی صدر! قادرم که انقلاب و کشور را هدایت کنم». چنین نگرشی با این درجه از خودبزرگ‌بینی به خود وی و انقلاب ضربه زد.



ساختار دیکتاتوری و تصلب نظام تصمیم‌گیری



خودرایی غیر عادی نزد شاه ایجاد شده بود که هیچ ایده اصلاح‌طلبی را نمی‌پذیرفت و این گونه تصور می‌کرد که هر گونه پذیرش ایده اصلاح‌طلبی، به معنای شکست است و این رویه بود که طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۶ دنبال شد. صابر در اثر خود نشان می‌دهد حتی در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، سطوحی از انعطاف در محمدرضا شاه پدیدار شده بود اما آن انعطاف نه تنها کمکی نکرد بلکه اعتراف‌های شاه از نظر مردمی که از شرایط عاصی شده بودند و نمی‌توانستند آن را تحمل کنند به عنوان بینه حقیقت حرکات اعتراضی خود تلقی شد.

وی یادآور شد: شاه در مصاحبه با روزنامه کیهان به تاریخ سوم آبان ۱۳۵۵ در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه اگر دوباره درآمدهای ارزی افزایش یابد چه می‌کنید؟ پاسخ می‌دهد دیگر آن را آتش نخواهیم زد. این در واقع یکی از حیرت‌انگیزترین اعترافات شاه محسوب می‌شود و به نظر می‌رسد باطل السحر تمام دیدگاه‌های طیف سلطنت‌طلب و شاید کل مخالفان انقلاب اسلامی باشد که سقوط شاه را به عوامل بیرونی نسبت می‌دادند. شدت فساد و ناکارآمدی به اندازه‌ای بود که خود شاه دو سال قبل از سقوط حکومت می‌پذیرد که به نام توسعه، زیرساخت‌سازی و ارتقای بنیه تولید، منابع ارزی در آتش فساد، فرقه‌گرایی و خودرایی نبوده است. همچنین در خاطرات اسدالله اعلم آمده است که در ماه‌های پایانی شاه، مشروعیت رژیم با ضریب ۷۵ درصدی در میان خود درباریان سقوط کرده بود.

رئیس موسسه دین و اقتصاد در پاسخ به این پرسش که تجارت خارجی رژیم شاه بیشتر بر صادرات نفت خام و واردات کالاهای مصرفی معطوف بود و این چه پیامدی داشت؟ گفت: از جنبه تحلیلی گفته می‌شود غفلت از بنیه تولیدی دو ویژگی دارد که منشأ سوسپید به خارجی‌ها و تحمیل فشارهای مافوق طاق بر مردم خود است، یعنی فرصت‌های شغلی که حق مردم این سرزمین است را به بیرونی‌ها هدیه می‌دهیم. بنابراین از یک سو تجارت خارجی که آمیزه‌ای از صدور مواد خام و واردات مواد ساخته شده است هر دو دست به دست هم می‌دهند تا اهدای فرصت‌های شغلی به خارجی‌ها امکان‌پذیر شود، از سوی دیگر مردم با تورم ناشی از افزایش قیمت نفت روبه‌رو بودند و تعبیری که خانم «بیکی کدی» تداعی می‌کنند، کار در راه استخوان مردم رسانده بود.

وی افزود: یعنی نابخردی در سیاست‌های اقتصادی از طریق تحمیل رکود همراه تورم، کار در راه استخوان مردم رساند. شاید جالب باشد که وقتی آثار مکتوب تحریم‌کنندگان کنونی را ملاحظه می‌کنیم آنها نیز استراتژی تحریمی خود را در آن می‌بینند که ایران را در مسیری قرار دهند که بنیه تولید کشور ضعیف شود تا از این طریق افزایش وابستگی‌های ذلت‌آور به خارج افزایش یابد. شاید یکی از درخشان‌ترین کارها در تبیین رژیم پهلوی از این زاویه، کتاب «سیاست خارجی آمریکا و شاه» اثر مارک گازبوروسکی، پژوهشگر لهستانی‌الصل آمریکایی باشد که خوشبختانه به فارسی نیز ترجمه شده است. او در این کتاب کار بدیعی انجام داده و شاخص دست‌نشاندهی را طراحی کرده که در آن وابستگی‌های ذلت‌آور سیاسی و اقتصادی رژیم پهلوی به خارج و به ویژه آمریکا به حدی رسیده بود که هم خصلت مشروعیت‌زدایی و هم خصلت نابرابر ساز آن دست به دست هم دادند تا هم مشروعیت رژیم پهلوی از میان برود و هم مردم را به مناسبت غیر قابل تحمل و به شدت شکننده فرابخوانند.

بالتری از بحث‌ها را در این زمینه مطرح کردند، افزود: شاید یکی از درخشان‌ترین کارها مربوط به اثر زنده یاد «هدی صابر» باشد. به نظر من در شرایط کنونی کشور که به نوعی بی‌اعتمادی فراگیر مشخصه کلیدی مناسبات سیاسی و اجتماعی است و ابعاد این بی‌اعتمادی فراگیر در روایت سه جلدی بررسی وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور در گزارش وزارت کشور توضیح داده شده است، کتاب «فروپاشی» هدی صابر می‌تواند به عنوان یک وفاق باشد. چون هدی صابر به عنوان منتقد جمهوری اسلامی محسوب می‌شود بنابراین روایت او در میان طیف کسانی که به روایت‌های رسمی اعتماد ندارند، می‌تواند اعتمادبرانگیز باشد. ویژگی دیگر این اثر آن است که چون در همان اوایل سقوط رژیم پهلوی نوشته شده است حاوی اطلاعات روزآمد، دسته‌اول و نقل قول‌های استثنایی است.

وی ادامه داد: ضمن اینکه زنده‌یاد صابر در این کتاب صرف نظر از تبلیغات سلطنت‌طلبان که در سقوط رژیم پهلوی برای استکبار جهانی نقش زیاد قائل می‌شدند، روایت درون‌واکاوانه و متکی بر اسناد رسمی را در دستور کار قرار می‌دهد. عنصر گوه‌ری در روایت صابر از سقوط رژیم پهلوی این است که نظام تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع حکومت پهلوی در سال‌های پایانی دچار تصلب ذهنی شده است. صابر این گونه توضیح می‌دهد که وقتی به اسناد پشتیبان برنامه ششم توسعه نگاه می‌کنید سطحی از آگاهی کارشناسی در گزارش‌های رسمی مشاهده می‌شود که به طور نسبی بی‌پروا تر از همه اسناد مشابه برنامه‌های پیشین است و این تصلب ذهنی، سیطره منافع رانتی هیات حاکمه و عدم انعطاف آنها به سمت منافع ملی با جزئیات کامل توضیح و نشان داده که آن آگاهی کارشناسی و هشدارها در مرحله تصمیم‌های اساسی عقیم می‌ماندند و آنها نه قادر و نه مایل بودند ذهنیت‌های نادرست خود را تصحیح کنند و نه آمادگی داشتند که منافع ملی را بر منافع شخصی و بانوی اولویت دهند.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به مجموعه آثاری که توسط مقامات درجه یک و دو در مورد سقوط رژیم پهلوی نوشته‌اند، گفت: کتاب‌های پرشماری داریم که توسط مسئولین کلیدی سازمان برنامه آن زمان منتشر شده و آنها نیز تأکید دارند که یک خودکامگی و

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی معتقد است که در واکاوای ریشه‌های مسیری که منجر به فروپاشی رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی شد، رویکردهای متفاوتی مطرح می‌شود و طیف کسانی که در این زمینه صحبت کرده‌اند عوامل پرشماری را در ریشه‌یابی موضوع مورد توجه قرار داده‌اند که مرور آن عوامل و تلاش برای دستیابی به یک صورت‌بندی نظری می‌تواند راهگشا باشد.

فرهاد مومنی در واکاوای ریشه‌های اقتصادی و سیاسی فروپاشی رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی گفت: به‌طور کلی در سالگرد دهه فجر و ایام پیروزی انقلاب اسلامی ذهن‌ها به چرایی و چگونگی فراز و فرودهایی برمی‌گردد که هر از چندی در ایران اتفاق می‌افتد. آنچه مهم است اینکه ما صرف نظر از نقش‌ها و داوری‌های خود، این پرسش را مطرح کنیم که آیا می‌توانیم از این فراز و فرودها درس عبرت بگیریم تا این فهم و یادگیری بستر ساز تحقق اهدافی باشد که مردمانی بيشمار، جان، مال و توان خود را فدای آن کرده‌اند.

وی ادامه داد: در موضوع فروپاشی رژیم پهلوی شاید یکی از جذاب‌ترین و برجسته‌ترین کارهای صورت گرفته متعلق به «جان فوران» ایران‌شناس معروف است. او در کتاب «مقاومت شکننده» در مقام جمع‌بندی چرایی فروپاشی رژیم پهلوی، ۹ اتهام اساسی را مطرح می‌کند که موجب سقوط رژیم پهلوی شد. این ۹ عامل عبارتند از: گسترش و تعمیق غیر متعارف فساد، تقلب‌های پی‌درپی در انتخابات و دست‌کاری آرای مردم، نقض پرشمار قانون اساسی، سرکوب مطبوعات و احزاب سیاسی، از بین بردن استقلال دانشگاه‌ها، تضعیف عقاید اسلامی، کاپیتالاسیون، فروش نفت به اسرائیل و گسترش دولت.

مومنی تصریح کرد: نکته جالب آن است که وقتی به آثار نزدیکان حکومت پهلوی مراجعه می‌کنید با کمال شگفتی متوجه می‌شوید که چقدر دیدگاه‌ها در این زمینه می‌تواند نزدیک باشد. مثلاً «فریدون هویدا» برادر نخست‌وزیر دوران شاه، در کتاب «سقوط شاه» می‌گوید هفت عامل بیشترین نقش را در توضیح چرایی سقوط رژیم پهلوی داشته است. او باور دارد که ساخت دیکتاتوری و اشتباه‌های شخص شاه مهم‌ترین عامل سقوط رژیم پهلوی بود، اما در کنار آن گسترش و تعمیق فساد مالی و اخلاقی، افراطی‌گری در هزینه‌های نظامی به ویژه تخصیص منابع ارزی و ریالی برای خرید ابزار سرکوب مردم، زوال عملکرد اقتصادی، نظام تک‌حزبی، اختناق شدید نسبت به آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و دست‌کم گرفتن قدرت مذهب توسط دولتمردان از دیگر عوامل سقوط بوده است.

این اقتصاددان با بیان اینکه افرادی هم بوده‌اند که سطوح



اقتصاد ایران و چهار دهه مانایی در چالش‌ها

گرفتار در هزارتوی سیاست



مهناز اعتدالی

تشدید بحران تحریم‌های بین‌المللی و اقتصادی، چشم‌انداز مثبتی برای اصلاح آنها وجود ندارد.

فساد سیستمی که موجب تضییع حقوق طبقات فرودست شده از دیگر معضلات اقتصاد ایران و حاصل سیاستگذاری‌های نادرستی است که در طول چند دهه با به قدرت رسیدن طیف‌های خاص سیاسی عرصه را برای اجرای عدالت و حکمرانی قانون تنگ کرده تا جایی که حتی در دوره‌های وفور نعمت فروش نفت نیز تحقق رشد اقتصاد پایدار میسر نشده است. در این زمینه چالش عدم مدیریت و برنامه‌ریزی زمینه‌ای را فراهم ساخته که به موازات فروش بالای نفت در دوره‌های خاص، دولت‌ها نیز بزرگ‌تر شده‌اند بدون آنکه به تولید، زیرساخت‌ها و توسعه بازارهای صادراتی توجه کنند.

به عبارت دیگر به جای ظرفیت‌سازی و سرمایه‌گذاری از محل درآمدهای نفتی برای رشد بلندمدت اقتصاد، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی به اعتبار واردات، شکل گرفته تا جایی که با ورود به دوره‌های رکود فروش نفت به واسطه شوک‌های تحریمی؛ اقتصاد معیشتی وارد فاز بحران‌های تومی شده است. این در حالی است که اقتصاد ایران به لحاظ کسب درآمد ارزی در شرایط تحریم‌های نفتی باید با تکیه بر صادرات غیر نفتی و در تعامل با بازارهای جهانی توسعه پیدا کند.

در واقع کوچک شدن حجم تجارت خارجی به معنای کمتر شدن نسبت این متغیر به تولید ناخالص داخلی است که در عمل به معنای محصور شدن بیشتر اقتصاد ایران است. بر این اصل مسیر ناهموار تجارت خارجی در شرایط کنونی از محل تصویب FATF می‌گذرد که این امر باید به دور از اغراض سیاسی، تنها با دورنمای دیپلماسی اقتصادی نگریسته شود تا امکان حضور گسترده‌تر در بازارهای تجارت جهانی را میسر کند.

بر پایه نظر سنجی «موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی» سیاست‌های پیشنهادی برای برون‌رفت از این بحران‌های اقتصادی، به‌کارگیری انضباط مالی و کاهش مصارف بودجه‌ای دولت، اصلاح ساختاری در تقویت نهادی بودجه مبتنی بر عملکرد، حذف فرآیندها و هزینه‌های غیرضرور، کاهش بودجه‌برخی دستگاه‌ها، حذف طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجیه اقتصادی، اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی و چابک‌سازی دولت عنوان شده با این تاکید که افزایش پایه مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی نیز باید در اولویت اقدامات دولت قرار گیرد.

در این راستا پیشنهاد شده از آنجا که نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص

بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی می‌گذرد. دستاوردها و چالش‌های اقتصادی این سال‌ها همواره تابعی از سیاست بوده است و اکنون که در آستانه چهل و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب قرار داریم؛ بحران‌های اقتصادی، ضرورت اصلاح این رویه و تغییر نظام حکمرانی به ویژه در حوزه اقتصاد را بیش از هر زمان دیگری به رخ می‌کشد.

ابر چالش‌های اقتصاد ایران پس از گذشت چهار دهه از انقلاب به اعتبار نظر سنجی که «موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی» از صاحب‌نظران اقتصادی انجام داده در شش محور «کاهش قدرت خرید خانوارها و افت تقاضای داخلی»، «کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی»، «افزایش کسری بودجه دولت»، «تثبیت مصنوعی قیمت‌ها»، «نقش نهادهای حاکمیتی و خصوصی در بنگاه‌داری و فعالیت‌های اقتصادی» و «تاثیرپذیری تولیدات داخلی از قاچاق» مطرح شده است.

تورم فزاینده در حالی به عنوان مهم‌ترین چالش مزمن اقتصاد کشور معرفی می‌شود که رسیدن به تورم تک‌رقمی یک دستاورد بزرگ در کارنامه دولت‌ها به حساب می‌آید و این در شرایطی است که تورم یک رقمی برای ۸۶ درصد از کشورهای جهان پدیده‌ای عادی است.

نرخ تورم به‌عنوان سیاسی‌ترین شاخص اقتصادی در حالی مطرح است که افزایش آن مسیر اصلاحات اقتصادی را با موانع بسیار همراه می‌سازد. در کنار آن عدم رشد اقتصادی پایدار، کسری بودجه، بیکاری، خطر فروپاشی نظام بانکی و صندوق‌های بازنشستگی از دیگر مواردی است که با



ابر چالش‌های اقتصاد ایران پس از گذشت چهار دهه از انقلاب در شش محور «کاهش قدرت خرید خانوارها»، «کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی»، «افزایش کسری بودجه دولت»، «تثبیت مصنوعی قیمت‌ها»، «نقش نهادهای حاکمیتی و خصوصی در بنگاه‌داری و فعالیت‌های اقتصادی» و «تاثیرپذیری تولیدات داخلی از قاچاق» مطرح است.

اوراق قرضه در شرایطی که کاهش تقاضا برای این اوراق وجود دارد این واقعیت را آشکار می‌کند که محل‌های شناخته شده برای تامین منابع درآمدی تازه، دولت را در شرایطی قرار می‌دهد که روند صعودی تورم شتاب یافته را در نیمه دوم سال بسیار شفاف‌تر تجربه کند.

از سوی دیگر تشدید موج نقدینگی که با رشد بی‌سابقه ۲۷ درصدی همراه است در پایان نیمه نخست سال جاری به رقم ۲۱۲۶ هزار میلیارد تومان رسیده به عبارت دیگر به طور متوسط ماهیانه ۴۰ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان به حجم نقدینگی و پایه پولی در ایران افزوده شده که در صورت عدم کنترل و هدایت آن، تمامی بازارهای مالی دستخوش تورم بالاتر از ۴۰ درصد خواهند شد.

بستر شکل‌گیری پول پر قدرت را باید در زمان اوج درآمدهای نفتی جستجو کرد. در این شرایط دولت‌ها با دست‌اندازی به درآمدهای ارزی آن را به اقتصاد کشور تزریق و بدینوسیله در نبود سیاستگذاری درست مالی، نقدینگی را تهییج می‌کنند به گونه‌ای که این موج نقدینگی حتی در زمان رکود فروش نفت نیز مسیر افزایشی خود را ادامه می‌دهد. این در حالی است که در نقطه مقابل، اقتصاد ایران در حال کوچک شدن است. برای درک این منظور می‌توان از رشد تولید ناخالص داخلی به عنوان معتبرترین معیار برای اندازه‌گیری توانایی اقتصاد کشور نام برد. تولید ناخالص داخلی ایران در پایان نیمه نخست امسال هم تراز با سال ۱۳۹۰ محاسبه شده و با توجه به آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، سقوط اقتصاد ایران نیز در حد ۸ تا ۹.۵ درصد پیش‌بینی شده است؛ اما نکته قابل تامل این است که همزمان با کوچک شدن سپهر اقتصاد ایران شهروندان ایرانی نیز فقیرتر خواهند شد.

داخلی در ایران حدود ۵ درصد است و این رقم معادل یک‌سوم میانگین جهانی است، می‌توان با کاهش معافیت‌ها و افزایش پایه و پوشش مالیاتی با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی، مالیات بیشتری را از دهک‌های پردرآمد وصول کرد.

لزوم اصلاح نظام حکمرانی

در آستانه چهل و یکمین سالروز پیروزی انقلاب، آثار و پیامدهای تحریم‌های دامنه‌دار در سطح کلان اقتصاد از مرز هشدار گذشته و اکنون در مرحله بحران به آستانه بودجه کشور رسیده است. در این زمینه پیش‌بینی دولت برای صادرات نفت خام و کسب درآمد ارزی با توجه به تشدید تحریم‌ها و از دست دادن بازارهای صادراتی نفتی به‌ویژه در مورد کشورهای کره جنوبی، ژاپن و تا اندازه‌ای چین، با شکست مواجه شد و در حالی که انتظارها درآمد ارزی دست کم ۲۵ میلیارد دلاری را برای سال جاری رقم می‌زد، در نیمه نخست سال کسب ۱۲ میلیارد دلار درآمد ارزی نیز محقق نشد. بر این اصل مطابق با آمارهای ارائه شده از سوی نهادهای پژوهشی تا پایان سال حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه شکل خواهد گرفت.

رخداد کسری بودجه در حالی مطرح است که دولت ۶۲ هزار میلیارد تومان از هزینه‌های خود را کاهش داده و سقف بودجه را نیز به عدد ۳۸۶ هزار میلیارد تومان رسانده است؛ اما با توجه به شرایط پیش آمده دولت ناچار است نزدیک به ۴۵ هزار میلیارد تومان از منابع صندوق توسعه ملی و ۵ هزار میلیارد تومان از حساب ذخیره ارزی برداشت کند. ضمن اینکه باید رقمی معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان نیز از محل مولدسازی دارایی‌های دولت کسب درآمد کند.

تامین ۳۸ هزار میلیارد تومان از محل



حقوق معوقه، مطالبه اصلی کارگران در سال‌های پس از انقلاب

صدای اعتراضاتی که کمانه می‌کند



در شبکه‌های اجتماعی تعداد کارگران بازداشتی را ۱۵ نفر ذکر کرده بود.

معدن آق‌دره

تحصن‌های معدن آق‌دره سابقه تاریخی دارد. زمستان سال ۹۳ بعد از اینکه ۳۵۰ نفر از کارگران معدن طلا در پی پایان قراردادهای کاری‌شان بیکار شدند، اولین تحصن در برابر ورودی معدن برپا شد. کارگران به تمدید نشدن قراردادهایشان در فصل سرما اعتراض داشتند؛ در حالی که قانون دست کارفرما را باز گذاشته است تا قراردادهای فصلی ببندد و تعهدی به تمدید آن ندهد.



در تجمع دی‌ماه سال ۹۳، یکی از کارگران اقدام به خودکشی کرد که سایرین جلویش را گرفتند. بعد از آن، کارفرما از تجمع‌کنندگان شکایت کرد و در نتیجه ۲۶ نفر بازداشت شدند. نگهبان‌های معدن هم از متحصن‌ها شکایت کردند و ۸ کارگر در پی این شکایت به دادگاه احضار شدند. این اعتراضات تا ماه‌های پیش همچنان ادامه داشت.

معدن یورت

حادثه معدن زمستان یورت آزادشهر در ۱۳ اردیبهشت ماه سال ۹۶ اتفاق افتاد که بر اثر آن ۴۳ معدنچی جان باختند، پس از گذشت چند روز از این حادثه و در حالی که تعدادی از اجساد جان‌باخته معدن در تونل‌ها پشت آوارهای ریزش کرده باقی مانده بود رئیس‌جمهور به دیدار از محل حادثه و خانواده‌های معدنچی رفت و قول داد که به شدت با مقصران حادثه برخورد کند.



مرگ این کارگران و عدم اجرای اصول ایمنی از سوی کارفرمایان خود زمینه‌های اعتراض گروهی از کارگران را به دنبال داشت. این در حالی بود که بعد از گذشت این سال‌ها هنوز مقصران این حادثه دلخراش محاکمه نشده‌اند.

آن توجه‌ها را به سوی خود جلب کرد و حاشیه‌های فراوانی در پی داشت که مهم‌ترین آن بازداشت چندین کارگر معترض و تعیین حکم‌های زندان برای آنها شد.

هپکواراک



شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکواراک، ابر شرکت ایرانی در حوزه صنایع سنگین است. کارخانه‌ای که روزی افتخار خاورمیانه بود و گفته می‌شود بابتی تدبیری ورشکست می‌شود و میلیاردی ریال بدهی برجای می‌گذارد. کارگرانی که در آستانه خانه‌نشینی جان‌شان به لب رسیده، اعتراض و مسیر راه‌آهن را سد می‌کنند و عده‌ای زخمی و برخی چند روزی بازداشت می‌شوند. این مشکلات به عدم پرداخت حقوق کارگران این شرکت منجر می‌شود. کم‌کم صدای اعتراض کارگران بلند می‌شود. از سال ۹۴ تجمعات اعتراضی آنان آغاز شد تا روند نگرانی‌شان از وضعیت تولید در شرکت را به گوش همگان برسانند. در همه این سال‌ها اعتراضات مختلف این کارگران خیرساز بود و در آخرین آنها در ۲۵ شهریور امسال براساس برخی گزارش‌ها، کارگران هپکو زیر پل شهر صنعتی تجمع کردند و راه عبور قطار را بستند. در تجمع آن روز ۱۵ نفر زخمی و ۲۸ نفر به جرم مسدود کردن خط آهن دستگیر شدند. باین حال، پس از چندی، دادگاه برای آزادی ۲۵ نفر از کارگران بازداشتی قرار وثیقه یا کفالت صادر کرد.

آذرآب



یکی از اعتراضات شدید چند وقت اخیر؛ اعتراضات مربوط به شرکت صنایع آذرآب بود. این شرکت که یکی از شرکت‌های بزرگ پیمانکاری است، با مشکلات اقتصادی مواجه شد. تجمعات در این واحد صنعتی از اواسط شهریور امسال و در اعتراض به معوقات دستمزدی، نحوه خصوصی‌سازی، عدم تعیین تکلیف سهام شرکت و مدیریت آن آغاز شد و در چندین نوبت ادامه پیدا کرد. در جریان یکی از این تجمعات، خبرگزاری ایسنا گزارش داد که کارگران اقدام به مسدود کردن مسیر راه‌آهن شمال به جنوب کردند، «اما دقایقی بعد با دخالت نیروهای انتظامی ریل باز شد و قطار از مسیر عبور کرد».

فولاد اهواز

دی ماه سال گذشته نیز تعدادی از کارگران معترض فولاد اهواز که به دلیل ماه‌ها معوقات مالی تجمعات اعتراضی داشتند، بازداشت شدند. ایلنا با انتشار این خبر به تعداد کارگران بازداشتی اشاره‌ای نکرد اما برخی افراد



زرناز غلامی

در ۴۱ سالی که از انقلاب می‌گذرد، سه ماه، ۹ ماه، ۱۲ ماه و... بسیاری گذشته است؛ اینها شاید برای برخی تنها یک عدد باشد، اما برای افرادی از همین جامعه؛ شمار روزهایی است که با مشکلات فراوان مالی و خشم و مشکلات مالی همراه بوده است.

روزهایی که بسیاری از کارگران این کشور در معادن، کارخانه‌ها و... منتظر مانده بوده‌اند تا دستمزد هایشان را بگیرند. کارگرانی که بعضاً در شرایط سخت به امید دریافت به موقع پول کار کرده‌اند، اما در نهایت با عدم پرداخت به موقع حقوق مواجه شده‌اند و نه تنها در پاسخ به اعتراضاتشان حقوقی عایدشان نشده که با آنها برخورد نیز شده است. در سال‌های اخیر اخبار فراوانی در مورد اعتراضات کارگران و تجمعات آنها شنیده‌ایم، اغلب این اعتراضات در مورد حقوق معوقه بوده، معوقاتی که بعضاً بعد از گذشت زمانی نسبتاً طولانی به اعتراضاتی منجر شده است. در ویژه‌نامه «انقلاب و کارگران» شاید بد نباشد برش‌هایی از شاخص‌ترین این اعتراضات را مرور کنیم.

نیشکر هفت تپه



شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در یکی دو دهه اخیر از پرحاشیه‌ترین و در دوسازترین شرکت‌های ایران بوده است. مشکلات مدیریتی و در پی آن اعتراضات کارگری با نام این کارخانه گره خورده است.

اعتراض کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه به پرداخت نشدن حقوقشان بیش از یک دهه قدمت دارد. سال ۱۳۸۷ رئیس سازمان صنایع و معادن خوزستان درباره معوقات کارگران این شرکت گفته بود: «در حال حاضر بیش از پنج میلیارد تومان از حقوق معوق کارگران این واحد پرداخت نشده است».

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه از سال ۱۳۸۴ آغاز شد و این اعتصاب و اعتراضات در سال ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ هم ادامه پیدا کرد. دستمزدهای معوقه، بیمه‌های رد نشده، مزایای دریافت نشده و قراردادهای نامناسب، از دلایل اعتصاب کارگران بود؛ اعتصاب‌هایی که با انتشار فیلم و عکس‌هایی از

در سال‌های اخیر اخبار فراوانی در مورد اعتراضات کارگران و تجمعات آنها شنیده‌ایم، اغلب این اعتراضات در مورد حقوق معوقه بوده، معوقاتی که بعضاً بعد از گذشت زمانی نسبتاً طولانی به اعتراضاتی منجر شده است

نابرابری برای حکومت‌ها، بنیان افکن است



حسین راغفر، اقتصاددان

بعضاً انسان با کسانی روبه‌رو می‌شود که حسرت شکوفایی اقتصادی در دوران قبل از انقلاب را می‌خورند و معتقدند که وضعیت اقتصادی جامعه، پیش از انقلاب بهتر بوده است.

در همین زمینه باید گفت که در اواخر دوران پهلوی، جمعیت کشور ۳۵ میلیون و تولید روزانه نفت ایران نیز ۶ میلیون بشکه بود که نزدیک به ۴ میلیون آن صادر می‌شد. این درآمدهای ارزی باعث می‌شد تا حتی به کشورهای بزرگ اروپایی وام دهیم؛ اما هم‌زمان آنچه در اقتصاد ایران گسترش یافت یک اقتصاد وابسته به اقتصاد جهانی مبتنی بر مصرف‌گرایی شدید بود.

یکی از دلایل اصلی قیام مردم در سال ۵۷ هم واکنش به نابرابری‌های فاحشی بود که تفاخر اشرافی را به وجود آورده بود. از همین روی یکی از شعارهای اصلی انقلاب، برپایی عدالت اجتماعی و کاهش این نابرابری‌ها بود. از قضا یکی از دلایل نگرانی ما از شرایط موجود، همین موضوع نابرابری‌های است؛ اما عملکرد نادرست فعلی ما، به معنای موفقیت کشور در گذشته نیست. عمق فساد، لایبالی‌گری و عیاشی موجود در دستگاه پهلوی تکان‌دهنده بود.

مثالی می‌زنم. آقای امینی که از چهره‌های پرمناقشه دوران پهلوی است از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ با شعار مبارزه با فساد نخست‌وزیر کشور بود و در این راستا بسیاری از مقامات نظامی و لشگری را دستگیر و زندانی کرد. اما همین افراد قدرتمند زمینه براندازی او را فراهم کردند و شاه با نگرانی از حضور ایشان، مجوز برکناری امینی را از آمریکا گرفت و پس از مدتی



از مسیر توسعه بود. هم‌زمان شاهد رشد بی‌قواره حضور شرکت‌های خدماتی خارجی در کشور هستیم که در اواخر دوران شاه به ۹۰۰ شرکت رسیده بود که عمدتاً خدمات هواپیمایی و تفریحی ارائه می‌کردند و البته عده قلیلی می‌توانستند از این خدمات استفاده کنند. در حالی که در مناطق جنوب تهران، مراکز و مناطق کپرنشین و فقرزده وجود داشت. در مناطق بالای شهر شاهد زندگی لوکس و اشرافی بودیم که زمینه‌ساز اعتراضات علیه حکومت بود و این تجربه به نوعی شکل‌دهنده نگرانی امروز ماست.

اسدالله علم، نخست‌وزیر شد. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که هیچ فعالیتی در اقتصاد ایران انجام نمی‌شد مگر اینکه سهم ایشان و دیگر قدرتمندان پرداخت شده باشد.

در آن ایام، علاوه بر وابستگی شدید سیاسی، وابستگی اقتصادی نیز داشتیم به نحوی که تمام صنایع موجود از نوع مونتاژی و خدمات مصرفی بود و حتی کارخانه‌های فولاد تنها مسئولیت تولید تیر آهن و میلگرد برای بخش مسکن را داشتند.

این صنایع مونتاژی‌کاری نشان از انحراف اقتصاد کشور

مسابقه پیامکی مفاهیم و تفسیر سوره فجر

یتیمی را تحت تکفل خود قرار دهد، در بهشت، کنار هم هستیم»

الف) امام رضا (ع) ب) پیامبر اکرم (ص)
۸- با توجه به آیه «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ»

وسيله تربیت و رشد انسان چیست؟

الف) آزمایش ب) رسیدگی به یتیمان
۹- تعبیر عبارت «صَبَّ» در آیه «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» چیست؟

الف) بارش عذاب ب) عذاب پی‌درپی و مداوم
۱۰- خداوند در سوره فجر به «زمان سحر»

چند بار اشاره کرده است؟

الف) ۲ بار ب) ۳ بار

به چه معناست؟

الف) ستون و ساختمان بلند

ب) ستون و ساختمان نیمه‌کاره

۵- کدام آیه به پرده برداری از جهنم اشاره

می‌کند؟

الف) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًا

ب) وَجِيءٌ يَوْمَئِذٍ يَجْمَعُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

۶- عبارت «أَكَلْنَا» در آیه «وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكَلًا لَّمًّا» به چه معناست؟

الف) زیاد خوردن

ب) یکجا خوردن

۷- این سخن از کیست؟ «من و هر کسی که

۱- کدام گزیننه اشاره به امام زمان (عج) دارد؟

الف) عشر ب) فجر

۲- کدام آیه درباره مخاطبان قرآن صحبت

می‌کند؟

الف) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حُجْرٍ

ب) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ

۳- بیت (ترجم بر پلنگ تیز دندان

ستمکاری بود بر گوسفندان) به کدام آیه اشاره

دارد؟

الف) إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْرَّصَادٌ

ب) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ

۴- عبارت «عِمَاد» در آیه «إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ»

نحوه شرکت در مسابقه:

لطفا نام و نام خانوادگی و گزیننه های صحیح را به شکل زیر به ترتیب از چپ به راست به سامانه ۱۰۰۰۱۰۰۰۱ پیامک کنید.

مثال: علی جلیلی ۱۲۲۱۱۲۱۲۱۲

مهلت شرکت در مسابقه: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ همراه با جوائز نفیس

مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری

همکاران: نوید ورستان، سعیده علیپور، مهناز
اعتدالی، پیام عابدی، نسرين هزاره مقدم، زرناز غلامی

مدیر هنری: مرتضی احمدیان
دبیر عکس: هوشنگ هادی
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه
نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

از نگاه دورین

